

هو الله تعالى شأنه العظمة والكبرياء

الحمد لله بعنايت مالک قدر يوم قبل جناب ملا علی اکبر عليه بهاء الله بنفحات آیات الهيّه متوجه آن صوب گشتند و حال جناب ابابديع عليه بهاء الله عازمند لذا مجدداً اين خادم فانی باین عريضه مصدّعت هنوز مسافرين قبل نرفته‌اند جناب ملا محمّد علی مع نفوس معدوده وارد از حقّ ميطلبيم که قاصدان و مهاجران را تأييد فرمايد بر آنچه اليوم سبب ارتفاع کلمه الله است و در هر مدینه و ديار که وارد ميشوند سبب تذکّر نفوس و الفت و اتحاد قلوب شوند و فی الحقیقه ناس از ایشان عرف اخلاق الله را بيابند بايد هر یک نفعه حيوه باشند از برای اجساد ناس و رشحات بحر محبت الهی باشند از برای اهل بلاد و البته امثال این نفوس قليل بوده و هستند چنانچه از قبل فرموده‌اند مثل اکسير احمرند و اکسير احمر کم‌يابست و روايت قبل که ميفرمايد و المخلصون فی خطر عظيم شاهد این مقالست ولكن نظر بآنکه عنايت امروز را مثل و مانند نبوده و نيست این عبد اميدوار است که جميع احبّا و دوستان حقّ به ما هو المقصود فائز شوند و به غير ما اراد الله عامل نشوند و تکلم نمایند کل بنار ذکرش مشتعل باشند و بافق امرش ناظر اگرچه این عبد مع جناب ملا علی اکبر عليه بهاء الله مکتوب مفصل معروض داشت ولكن چون هر نفسی عازم ميشود اشتياق قلبی بر آن ميدارد که مرّه بعد مرّه و کرّه بعد کرّه مزاحم شوم عريضی که با جناب ملا محمّد علی بود رسيد انشاء الله جواب بهمهراهی خود او ارسال ميشود

یومی از ایام فرمودند جناب ناظر عليه بهاء الله بايد از عهده خرايهای رفيق همراه برآيند چه که سنين معدودات لدی العرش بود و ابدأ او را لأجل تبليغ امر الله بشطري نفرستاديم شما سبب شديد و او را مخصوص تعمير و آبادانی برديد و از قرار معلوم خرابی و ويرانی دست داد بسيار عجيبست که بعضی از نفوس مع نصايح الهيّه و مواعظ ربّانيّه و شفقت و عنايت مشرقه لائحه قسمی رفتار نمایند که سبب حزن قلوب مقبله گردد و يا علّت اخماد نفوس مشتعله شود ولكن بايد احبّاي الهی ناظر بافق امر و ما يظهر من عنده باشند لا بما يظهر من غيره چه که عصمت طرازيست مخصوص حقّ و از برای سايرين سهو و خطا و نسيان بوده بايد دوستان از يکديگر اغماض نمایند و ناظر بعفو حقّ باشند و در باره يکديگر دعا کنند آنه لهو الغفور الکریم جميع دوستان و آقايان آن اطراف را از قبل این فانی تکبير برسانيد انشاء الله کل بنار محبت الهی مشتعل باشند و بمقيص استقامت مزین و بانوار وجه رحمن منور دستخطّ جناب حبيب روحانی ملا مصطفى که در جواب مکتوب این فانی مرقوم داشتند رسيد و سبب فرح و انبساط گشت نسأل الله بأن يوفق حضرته علی القيام لخدمته و نصره امره و ذکره بين خلقه و يجعله من الذين قالوا الله ربّنا ثم استقاموا آنه لهو المقتدر القدير

و همان دستخطّ تلقاء وجه عرض شد اظهار عنايت فرمودند هنيئاً له ثمّ مرئياً له بعد از اتمام عريضه محبت قلبيه این عبد را بر آن داشت که مجدداً خاطر عاطر آن حضرت را بکلماتی که فی الحقیقه مرآت حاکيه وجود این فانيست مشغول نمايد و جواب مراسلات جناب ملا محمّد علی در این کرّه عرض شود چه که گفته‌اند فی التأخير آفات لذا عرض ميشود دستخطهای متعدده جناب ع ب (ن) عليه بهاء الله باین عبد فانی رسيد الحمد لله خليل آسا اصنام اوهام را شکستند و بافق يقين توجه نمودند هنيئاً لحضرته بما فاز برحيق المعاني و البيان فی ایام الرحمن و رأى اشعة انوار فجر الظهور و اقبل اليه اسأل الله بأن يوفقه فی كلّ الأحوال و يقدر له ما تقرّ به اعين العارفين آنه لهو المقتدر القدير مكاتيب ایشان بتمامه در ساحت اقدس عرض شد ولكن بعد از فقره کرّه ماديان قد تبسم محبوب العالم قال و قوله الحقّ آنه قد نطق بالصدق و بعد از عشر دقائق قد توجه وجه المقصود الى الخادم و قال ينبغي ان يرجع الى صاحبه فرمودند بايد بصاحبش رد شود انتهي بشارت پایشان بدهيد که مکتوبشان

سبب تبسم جمال قدم شد طوبی له ثم طوبی له و دستخطهای متعدده آن حضرت که از اوّل ورود در آن ارض الی آخر مرقوم فرمودید این خادم بتمام آن فائز الحمد لله که در جمیع احوال بذکر و ثنای حق مشغولید

در باره نفوسی که در این ایام بساحت اقدس توجه نموده‌اند الواح منیعه از سماء عزّ احدیه نازل و ارسال شد برسانید و لکن در کلّ احوال حسب الأمر آنکه بحکمت ناظر باشید چه که نظر بفضل الهی و ما نزل فی اوّل هذا الظهور ذکر هر نفسی تلقاء وجه شده و یا بشود از سماء مشیت لوح نازل آنه لهو الفضل المقتدر القدیر این خادم فانی عرض مینماید که اگر بعضی از دوستان بر حسب ظاهر بلوح فائز نشده‌اند از این فقره محزون نباشند چه که جمیع عالم خلق شده از برای آنکه ذکرشان در ساحت اقدس بشود چنانچه نقطه بیان روح ما سواه فداه میفرماید که کل از برای آنست که یک مرتبه در ساحت او ذکر شود و حال الحمد لله از فضل نامتناهی الهی جمیع احبّا در ساحتش مذکورند و اگر بثمره همین فقره مطلع شوند کل را جذب سرور و ابتهاج بشانی اخذ نمایند که از من فی الملک بگذرند و بصدهزار لسان حق منیع را شکر نمایند هر عملی در این یوم عظیمست چه که این یوم نیست که خبر داده حق از آن بقوله تعالی من قبل الملک یومئذ لله و کذلک فی مقام آخر لمن الملک الیوم لله الواحد القهار چه که الیوم یوم ظهور الله است و یومی است که فیه دکت الأرض دکّا و جاء ربک و الملک صفّا صفّا و این یوم نیست که میفرماید لیوم الفصل و ما ادراک ما یوم الفصل ویل یومئذ للمکذّبین و در ده مقام قلم اعلی مکرراً میفرماید ویل یومئذ للمکذّبین

خدمت جناب محبوب اعنی ملاّ مصطفی علیه بهاء الله از قول این عبد ذکر نمائید که مع عظمت این یوم و مع آنکه در جمیع کتب الهیه از قبل قبل الی ان ینتهی الی الفرقان ذکر این یوم امنع اقدس اعظم تصریحاً من غیر تأویل بوده مع ذلک احدی ملتفت نشده اهل فرقان که فی الحقیقه از ثدی جهل مرزوقند ببلوغ نرسیده‌اند که سهل است ای کاش در این طفولیت بلبن انصاف موفّق میشدند و لکن عجب از اهل بیانست که آن نفوس مع ادّعی عرفان و ایقان از کلمه انّی انا الله اعراض نموده و در اسفل نیران مقررّ گزیده‌اند نمیدانم قول حق را که میفرماید یوم یقوم الناس لربّ العالمین چه تفسیر نموده‌اند و بعد میفرماید ویل یومئذ للمکذّبین الذین یکذبون بیوم الدّین و ما یکذب به الاّ کلّ معتد ائیم و همچنین میفرماید در خطبه معروفه فتوقعوا ظهور مکلم موسى من الشجرة علی الطور و اگر بیانات کتب قبل ذکر شود این نامه کتابی حجیم گردد باری شهادت میدهد این خادم فانی که احدی رایحه رضوان معانی را که در فرقان بامر رحمن مستور گشته نیافته الاّ الذین انقطعوا الیوم عمّا سوی الله و اجابوا کلّ ما سمعوا من السّدره التّی احاطت العالمین انشاء الله باید ایشان و آن جناب و سایر دوستان بهمت تمام بتربیت نابالغین بحکمت و بیان مشغول باشند در این حین خود این عبد متحیر است که چه ذکر مینمود و بکجا منتهی شد مع آنکه در این عریضه ذکر این گونه اذکار مقصود نبود و لکن شمس کلمه عرف الله بفسخ العزائم این گونه اشراق نمود الأمر بید الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید

و عرض دیگر آنکه عریضه جناب آقا میرزا عبدالله علیه بهاء الله و ضلع و ابن ایشان بساحت اقدس فائز و مخصوص هر یک از سماء مشیت لوح امنع نازل و ارسال شد و در لوح ضلع از قلم اعلی ذکر ذریه طیبیه شده انشاء الله بآن فائز هستند و خواهند شد و همچنین باین عبد هم مرقوم فرموده‌اند از حقّ سائل و آلمم که ایشان را موفّق فرماید بر اموری که سبب ذکر ایشان در عوالم لا یتناهیه الهیه گردد

و اینکه در باره حاجی میرزا شفیع و ابن او مرقوم فرمودید آنچه عمل شد مقبولست و لکن لا یزید الظالمین الاّ خساراً و از آنجائی که الیوم رحمت کل را احاطه کرده و یوم تبدل الأرض غیر الأرض است شاید اراضی نفوس غافله از امطار رحمت ربّانیّه بسنبلات حکمت و عرفان فائز شوند

و در فقره لوح حضرت غصن الله الأعظم روحی لثراب قدومه الأعزّ فدا مرقوم داشتید که محبوبست فارسی شود بعد از آن لوح مخصوص رساله‌ئی مرقوم فرمودند بلسان پارسی از برای اهل ایران که هنوز بکوشر عرفان فائز نشده‌اند بسیار نافعست و مقصودشان از آن رساله آنکه ناس را از متابعت جهلا منع نمایند و بچشم و گوش خود در امور ملاحظه کنند و فی الحقیقه اگر درست ملاحظه شود از برای کلّ بشر آن رساله مبارکه نافع بوده و هست مع آنکه ظاهراً از امور بدیعۀ مشرقۀ لامعه در آن ذکری نشده ولیکن هر ذی شمی از باطن آن عرف ایّام الهی را استنشاق نماید و هر ذی بصری انوار شمس معنوی را ملاحظه کند و آن رساله نزد مهاجرین موجود است انشاءالله بنظر آن جناب میرسد و مقصود آن بود که یک نسخه آن اوّل خدمت آن جناب ارسال شود ولیکن از کثرت اشغال و عدم حضور کتاب تعویق افتاد و اینکه مرقوم داشتید که بیّتی ابتیاع شده انشاءالله مبارکست نسأل الله ان یرفع فیہ ذکره بالحقّ انه ولیّ الذّاکرین بسیار محبوبست در هر ارضی محلّی معین شود تا سبب آسایش واردین گردد انشاءالله همیشه اوقات قلم آن محبوب روحانی دوستان و مخلصان را یاد نماید البهّاء علیک و علی الذّین فی هناک من لدی الله مولانا و مولاکی

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داتلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر